

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور دوم لایحه املاک و اگذاری

۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای حسن اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه سی ام فروردین ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

## ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد خیر)  
صورت مجلس تصویب شد .

## ۲ - شور دوم لایحه املاک و اگذاری

رئیس - شور دوم لایحه املاک و اگذاری . گزارش کمیسیون با اطلاع آقایان میرسد .

کمیسیون قوانین دادگستری منتخبه فروردین ماه ۱۳۲۱ با حضور آقای وزیر دادگستری جلسه خود را تشکیل داده و لایحه شماره ۳۶۴۴۹ دولت راجع به واگذاری املاک شاه سابق را که در کمیسیون پیشین جرح و تعدیل و تصویب

گردیده مقرر چون کمیسیون دادگستری سابق در تاریخ ۲۱/۱/۱۱ گزارش خود را به مجلس بعنوان گزارش شور دوم تهیه نموده که البته بنظر آقایان نمایندگان محترم رسیده است لذا کمیسیون فعلی همان گزارش را که طبع و توزیع شده است تصویب و اینک نظر خود را که تأیید خبر شور دوم کمیسیون پیشین است به عرض مجلس شورای ملی میسراند .

مخبر کمیسیون قوانین دادگستری نقابت .

رئیس - آقای طوسی .

طوسی - از اینکه کارهای دولت در مجلس بهادریکه

مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵

این مذاکرات مشروح چهل و پنجمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : اورنگ - طوسی - ساطقی - مقدم .

غائبین بی اجازه - آقایان : تولیت - جابلی - اوآب یزدی - صدر - انصاری - بهمن اسفندیاری - شجاع - حمزه تاش - جلالی - شیرازی

دکتر ادهم - دهنانی - مهنی - جهانشاهی - آصف - صادق وزیری - سانشاه - خسروشاهی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مؤیدآبادی - مؤلف - اکبر .

مطلوب بوده انجام شده و مجال شده است که باین لایحه املاک رسیدگی شود کمال خوشوقتی هست ولی در عین حال بنده یک چیزهایی را شخصاً معتقدم و آن اصول مقرر است در مجلس و مطابق مقرراتی که برای ما هست بایستی نظری اگر داریم بیشتر در پیشنهادات خودمان تقدیم کنیم و در کمیسیون در پیشنهادات نظر بشود و نظری اگر اتخاذ کردند بعد در مجلس بیاید و مطرح شود. آنچه بنده در این شور دوم لایحه می بینم بهیچوجه نسبت به پیشنهادات کویچکترین ترتیب اثری داده نشده است و من الاتفاق خود بنده چند فقره پیشنهاد کرده بودم اگر اجازه بفرمائید این پیشنهادات را بخوانم برای اینکه درست عرض مجلس برسد و توجه بیشتر درش بکنند اگر قابل توجه نبود رأی ندهند و اگر قابل قبول بشود بهتر این بود که کمیسیون بیشتر بهش توجه میکرد و این را اجازه میخواهم در یک جا بنده پیشنهاد کرده بودم در ماده اول بعد از جمله بدولت انتقال یافته اضافه شود و املاکی که وابستگان اعلیحضرت پادشاه سابق با همان اسباب کار و عمل محل خریداری یا با هر عملی متصرف شده اند این یک فقره است. در جای دیگر بعد از اعلام کلمه اعلیحضرت بنده نوشته بودم (و خاندان اعلیحضرت) دکتر جوان - بنده اخطار نظامنامه ای دارم. قرائت این پیشنهادات مورد ندارد زیرا اولاً مذاکرات نباید بشود مذاکرات که تمام شد هر کدام از آقایان که پیشنهاد دادند آوقت دوباره پیشنهاد مطرح شود چون ایشان فعلاً دارند پیشنهادات را میخواهند.

چند نفر از نمایندگان - ایشان سابق پیشنهاد کرده اند. بخوانید بفرمائید.

طوسی - در جای دیگر باز بنده پیشنهاد کردم از شهر یور ماه ۱۳۲۰ تا تصویب قانون و ابلاغ بدولت هر گونه نقل و انتقال و هر قسم معامله اعم از اینکه با اسناد رسمی یا بطریق های دیگری با هر شخصی انجام شده کان ام بکن خواهد بود و بهیچوجه دارای اعتبار نخواهد بود در جای دیگر باز بعد از جمله بنام اعلیحضرت وابستگان هم هست

طبق توضیحی که در مجلس عرض کردم. پیشنهاد میکنم املاک و اگذاری بصاحبانش طبق قانون که در دست تصویب است مستقیماً اسناد صاحبان املاک را بررسی نموده بدون واسطه و بدون مداخله غیر ملک را بصاحب ملک و حق را بحق دار و اگذار نمایند. حالا بالاخره برای اینکه ناسی کنیم بفرمائید آقای دکتر جوان بعد دوباره خواهم خواند و اطاعت میکنم حالا بطور اجمال عرض میکنم که این پیشنهادات آیا قابل نظر و قابل توجه بهیچوجه نبوده یا یک چیزهایی بوده که میل نکرده اند قابل توجه قرار بدهند؟ بنده خیال میکنم از نظر عقیده خودم از نظر صلاح و سرفه جامعه و از نظر اینکه دولت میخواهد این املاک را روی همین قانون بصاحبانش رد کند از این نظر است که عرض میکنم یکی موضوع وابستگان است قبلاً هم گفته شده بود من هم نمیخواهم این قضیه را تکرار کنم هیچ تردیدی نیست جناب آقای وزیر دادگستری و آقایان نمایندگان در این قسمت اگر بگویند معاملات این شده که بنده بنده حاضر عرض کنم که شده اگر شده چه فرق میکند با همان دست با همان وسائلی که شده بنام دیگری شده چه ضرر دارد وقتی که میگوئیم شخص مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با کمال رأفت و مهربانی از جیب نفقت خودشان بخششهایی باشخاص میکنند دلیلی ندارد وقتی چیزی داده میشود باین طریق داده نشود بصاحبانش. از طرفی مردمان هستند در اینجا که اجدادشان بهشان شده است بنده عرض کردم نمیخواهم اینجا زیاد توضیح داده باشم آنها را هم ب همان دستهایی که تهیه شده بدهند بصاحبانش اگر حقیقت دارد رسیدگی کنند اگر ندارند که هیچ.

وزیر دادگستری - بنده همینقدر میخواهم عرض کنم که راجع باین پیشنهاداتی که در جلسات سابق شده بود بطوریکه آقایان کارمندان کمیسیون دادگستری اطلاع دارند و شاهد بوده اند یک مورد توجه واقع شد و هر ماده که خوانده میشد راجع به ماده که پیشنهاد شده بود تمام آن پیشنهادات یک یک بحث میشد و آنچه لازم بود و ممکن بود که اصلاحات شود در ماده اصلاح شده است و بعد از اصلاح

در اینجا ذکر شده مطالبی هم که قابل توجه نبود بنابراین دلائل و عللی بود که ذکر او در اینجا مورد ندارد البته حالا که مواد را میخواهند اگر مذاکره و صحبتی باشد در موقع خودش دلائل ذکر میشود مقصود بنده این بود که آقای طوسی باین پیشنهاد محترم خیر نظر نمایند که این پیشنهادها فراموش شده تمام این پیشنهادها با یک خواننده شده و مورد دقت واقع شده آنچه که ممکن بود قبول شد و آنچه هم پذیرفته نشد پس از اظهارات و دلائلی بود که در کمیسیون گفته شد.

رئیس - آقای محیط در ماده اول فرمایشی دارید محیط - بنده خیلی متشکرم از این قانونی که مطرح است و یک عریضی داشتیم که لازم است بعرض برسانم امروز برای دولت افراد سعیدیت صالح و متمول بهتر است از یک مملاهایی که دولت در خزانه برای خودش ذخیره کند و این املاک که دولت هم باشخاص بدهد از محیط مملکت خارج نمیشود و باز همین مردم اگر رعیتی بکنند باز نفع آن بخزانه دولت نماند میشود و لسی چیزی که بنظر بنده آمده است این املاک دو جنبه دارد یک جنبه متعلق است با املاک مازندران و یک فقره اش متعلق است با املاک غیر مازندران. املاک مازندران عبارت از املاکی است که توسط دیم مشروب میشود فقط و فقط بربح کاریش است که آب لازم دارد ولی املاک غیر مازندران تمام و بیشترش آب لازم دارد که از قنات و رودخانه است در مازندران یک مختصری از املاکش که نزدیک اشرف و توابع آنست آنها قنات دارد که آن قناتهایش هم بقصدی دولت ترمیم شده است و دولت مسالغ مهمی برایش خرج کرده است و اما به موضوع این املاک کار نداریم که پنج شش قسم است یک قسمش تقدیمی است یک قسمش خریداری است قبلاً از ۱۳۱۶ و ۱۷ که آنها هم بعقیده بنده گمان میکنم دولت از روی انصاف و تعادل قیمت خریداری نموده است ولی یک املاکی است که از ۱۶ و ۱۷ بعد اینها بطور پارو ها و جارو ها رفته است در یکی از دهائی که متعلق به یکی از کسان من است در سنه ۱۳۱۹ بهش ابلاغ کردند که این ده نباید فروخته شود خودش بوده است از یکی از دوستان او

قباله مالکیت گرفته اند و از روی آن قباله هم سند مالکیت گرفته شده است بنده میخواهم عرض کنم این املاک را تشخیص و تفاوت بگذارید با املاکی که قبل از ۱۷ و ۱۸ تهیه شده است زیرا این املاک هم در تصرفاتی دولت نکرده و به یک نحو غیر منصفانه ای ضبط شده است بنده یک پیشنهادی میکنم یا بطور تبصره باین ماده یا بطوریکه بنظر آقایان برسد این ماده را هر جا میتوانند بکنند بکنند که این قضیه اصلاح شود. عرض دیگر من راجع است بمراتع اینجا هم مراتع همیشه با املاک فرق داشته است دولت در مراتع هم جا متصرف است رذی نفع است و این مراتع هم بیت المال است و جزو ملک مردم است و اگر نباشد از میان میرود و منطبق ندارد و معنی ندارد. باید مرتع هم در این قانون تذکر داده شود ولی در این محاکمه این را نمیتوان پذیرفت زیرا محاکمه قانون است و مرتع متعلق با ملک نیست این دو موضوع یکی هم راجع بقنوات و چشمه سار است که قنوات و چشمه سار با املاک دیمی فرق دارد آنها باید در قانون بیاید کلامی تصریح شود که این املاک از نظر رسیدگی برای قضات سهل و آسان باشد حالا در مورد بکر بنده عرض دارم در موقعش میکنم این عرض بنده نسبت بکلیه موضوع بود که خواستم عرض کنم ماده پیشنهادی خودم را تقدیم میکنم اگر مورد قبول آقایان محترم واقع شد تصویب میفرمائید و ضمناً قانون میشود.

تفاوت (مخبر کمیسیون دادگستری) - این مطالبی که آقای محیط تذکر دادند در کمیسیون مورد توجه بود و ضمن صحبت اینها قید میشود نسبت با املاک و اموال چون ممکن است بعضی چیزها استثناء بشود من جمله مرتع از طرف آقای وزیر دادگستری توضیح داده شد که اطلاق کلمه ملک بر مرتع هم صحیح است و لذا مرتع هم مثل املاک ممکن است مورد دعوی واقع شود و چون این توضیح در مجلس شورای ملی داده میشود بنا بر این جای نگرانی نیست. راجع به قسمت دوم قنوات و چشمه سارها این منظور آقای محیط هم در ماده ۶ تصریح شد که باین صورت هر کس بهر عنوان نسبت بعین

املاك واگذاری یا متعلقات و حدود آن با قنوت و حقا به ادعائی داشته باشد چون گفته شد که بعضی جاها هست رودخانه‌هایی هست که آبش بجای دیگر داده شده این تذکر حقا به داده شد بنا بر این تصور میکنم منظور آقایان تأمین شده باشد.

رئیس - آقای اعتبار .

اعتبار - بنده قبلاً میخواستم استدعا کنم از آقایان رفقا که مجال بدهند و اجازه بدهند مطالبی که لازم است گفته شود و اگر هم تصور این برود که مطالبی که گفته میشود شاید بضرر يك اشخاصی است اینطور نیست البته این تقاضا و استدعای اولیه بنده بود که میل داشتیم حقیقه مجلس توجه داشته باشد باین قانونی که ما میخواهیم بگذاریم بفهمیم و بدانیم چه میکنیم و چه قانونی را داریم تصویب میکنیم بنده عریضی را که در شور اول این قانون کردم آن را دیگر تکرار نمیکنم برای اینکه آقایان همه این عریض را شنیده‌اند و حالا صحیح یا سقیم بوده است آن هم قضاوتش با مجلس شورای ملی است و بالاخره با آنیه که مردم دیگری هم هستند و آنها هم قضاوت خواهند کرد که این مطالب تا چه اندازه صحیح بوده و ما چه منظوری را داریم تعقیب میکنیم . بعد از شور اول این لایحه متأسفانه اطلاعاتی بمن رسید و تحصیل کردم بمقیده خودم این لایحه و این قانون موضوعش منتفی است اصلاً بنده باز این راهم باداوری میکنم به آقایان که خودم اول نفر و اول کسی بودم در مجلس شورای ملی که از دولت تقاضا کردم موضوع املاك که یکی از موضوعاتی است که مبتلی باین کشور است و مردمی از این جهت زبان دیدارند و متضرر شده‌اند مورد توجه قرار بدهند که بالاخره املاکی که از ضلعاً و بیچارگان من غیر حق گرفته شده با آنها مسترد بشود پس این نظر را از اول داشتم و این نظر من هم تغییر نکرد همان رویه و همان عقیده را آنوقت هم داشتم حالا هم دارم حالا بیائیم ببینیم این طرز عملی که الان شروع شده و عمل شده ما میخواهیم چه بکنیم با این قانون ؟ این قانون روحش این است که املاکی که بخت یا (دستی - یا ندارد دیگر)

را تعویض کرده‌اند و در تعویض هم خسروانی نبرده و بشهادت آقایانیکه مطلع هستند خیلی هم خوب استفاده کرده این املاکش را آمده اجاره داده و چند هزار تومان اجاره میگیرد بعد رفته است سر املاکش هم نشسته است خودش هم حاکم است و نشسته است آنجا و این املاك را نگهداشته است این ملکش را رفته است سرش نشسته است آقایان هم این حاکم را نگهداشته‌اند و این خیلی با مزه است و بنده نمی فهمم که طرز فکر دولت ما چه جور است بنده مأمور زورتان هم به بنده نمیرسد آقای حاکم هم هست ؟ . . .

امیر تیمور - کیست این شخص ؟ بفرمائید

اعتبار - این آقایان السلطنه است حاکم رشت . عرض کنم که . . .

دکتر سهیلی - اینطورها نباید باشد .

اعتبار - اینطور است از خود دولت هم که تحقیق بفرمائید گمان میکنم محل شبهه نیست و این را برای هر خدمتی هم دولت کاندیدا کرده در این مدت خدمات خیلی مهم برای استانداری هم اینجا بیان کردند ایشان نوسل و شبت جسته‌اند این درو آن در . تقاضا کرده‌اند که بمانند . . .

(همهمه بین نمایندگان)

طهرانچی - اینطور نیست .

نیل سهیلی - تقاضا کرده‌اند . مردم خواسته‌اند .

اعتبار - بخود من نوشته‌اند .

آزادی - اغراض را داخل نکنید . آنچه حقیقت است بفرمائید .

اعتبار - بنده اولاً استدعا میکنم که اینقدر مجال بدهید که بکنفر حرفش را بزند بعد هم تصویب بفرمائید .

بنده بکنفر که بیشتر نیستیم شما اکثریت دارید . . .  
دکتر سنک - حالا شما برای بکنفر همه را مقصر قلمداد کردید ؟ این است که می گوئید . حالا بفرمائید .

اعتبار - عرض کنم بالاخره مجلس شورای ملی بایستی حقیقه تحت تأثیر واقع بشود . بایستی مجلس شورای ملی امروز که این قانون را تصویب می کند و وارد بحث این قانون میشود

حقیقه خیلی آزاد و فوق‌العاده بابك ایت با کی بایک حقیقتی . . .  
مواجه باشد بالاخره بنده البته تصدیق می کنم که یکمده از مردم شاید از بنده خوششان نیاید ولسی من موظف هستم و خدا را شاهد می گیرم که این مطلبی را که می گویم نظر حب و بغض با ایشان یا با غیر ایشان ندارم . بنده نظرم بادولت بود که وقتی يك مأمور شما دارای حیثیت است دارای این وضعیت است حالا دیگر ان عصبانی هستند چه هستند رفته‌اند سر املاك خودشان حرفی است ولی يك مأمور شما که میرود اینکار را می کند بنده تعجبم اینجا است که دولت چرا و چطور اینجا ساکت شده است ؟ این یا حقیقت دارد یا ندارد اگر اینطور است خوب دولت باید در این باب تصمیم بگیرد بالاخره این ملکی که باید تشخیص متصرف را بدهند این بایستی در ید خودش باشد تا متصرف معلوم بشود و البته اگر در ید بنده و عمر و زید باشد که تصرف دولت معنی ندارد و این مخصوصاً در قسمت مأمورین دولت که موظف و حقوق بگیرند بنظر بنده خیلی ناروا است و بنده خیلی خوشوقت بشوم که آقای وزیر دادگستری تذیب بفرمایند و بفرمائید اینطور نیست ممکن است به بنده اشتباه گفته باشند بنده هم اصراری ندارم ولی البته اگر حقیقت اینطور باشد اسباب تعجب است . عرض کنم يك قسمت دیگر املاکی است باز بعنوان تبعیض به اشخاص داده شده است این املاك يك قسمتش در حومه طهران بوده و یکقسمتی در جاهای دیگر بوده است این املاك را آقایان متصرف شده‌اند و چند فقره اش را هم فروخته‌اند در خود اطراف طهران این را بنده می دانم آقای دهستانی هم می دانند این املاك فروخته شده يك قسمتش را هم بیسع گذاشته‌اند و پول گرفته‌اند ( یکی از نمایندگان - کی فروخته ؟ ) همین هائی که تبعیض کرده‌اند . يك قسمت آقای زرکش خریده است يك قسمت چند نفر دیگر خریده‌اند این املاك خریده شده است و همین آقایان باز هم متأسفانه رفته‌اند املاکی هم که مورد ادعایشان است رفته‌اند سرش ۱ بنده نمی دانم این چه وضعیتی است و چه صورتی دارد این قانون اصولاً ؟ . موضوع دیگری که بنده می خواستم باز

این نکته را هم مجلس بداند و باز نظر خودم را هم عرض میکنم راجع است به قسمت ب از ماده ۱۴ بنده این قسمت را در شور اول عرض کردم و بعد هم پیشنهاد کردم که این قسمت ب حذف شود یعنی این سه هزار تومانی که برای هر معامله ما اصابت تشخیص می دهیم که آن را بر ایگان بپردازیم و در مقابل پولی مطالبه نکنند و ملک را می دهند آن را حذف کنند دلالتی هم آن روز عرض شد حالا هم مختصری عرض می کنم این املاک بنده البته نظر اینرا ندارم که حقیقه بیگ مردم ضعیف و بیچاره کمک نشود ولی همانطور که عرض کردم مجلس بداند و توجه کند بعد هم همه را ببخشد اشکال ندارد. املاکی که معامله شده کمتر است که از سه هزار تومان تجاوز کند چطور؟ برای اینکه این املاک کمتر تویش هست که شش دانگ معامله شده باشد سهام است بالاخره در هر ملک و رانی بوده اند صاحبانی بوده اند که با آنها تک تک معامله کرده اند و اینها وقتی که آن قبالات زیادی که می شنویم در اداره املاک جمع آوری شده است اینرا آقا بایان باید بدانند که این قبالات هر کدامش یک ملک شش دانگ نبوده خورد بوده کوچک بوده اشخاص متفرق بوده اند اینها را از اشخاص متفرق خریدند بالاخره یک قبالة داده شده است یک ملک را تشکیل داده است پس اگر باینها مراجعه شود و بنده مراجعه کردم آقایان هم مراجعه بفرمایند ملاحظه می فرمایند که با تصویب ماده ۱۴ یعنی قسمت ب صد بود از این املاک بر ایگان داده می شود بنده مخالف ایستم مجلس شورای ملی مقتضی می داند دولت هم پیشنهاد می کند بدهند ولی خوب صدی ده دیگر چه گناهی کرده؟ خوب صدی ده را هم بدهند خوب واقعا مجلس شورای ملی یک ماده واحده تصویب کند که این املاک را ما واگذار می کنیم بعد هم درد سر بخودشان و مجلس و خارج و مردم بدهند و ما باید بدانیم که با این ترتیب و با تصویب قسمت ب ماده ۱۴ این املاک را صد اودش را بر ایگان می دهیم و بنظر بنده این رویه عادلانه نیست بچه دلیل؟ به دلیل اینکه همانطور که آروز عرض کردم وضعیت این املاک با سابق طرف مناسبت و مقایسه نیست

عوانید این املاک خود بهترین شاهد نمده است بودجه هائی که ما داریم در مجلس شورای ملی و آقایان متأسفانه تشریف نیاوردند هیچکدام ملاحظه نفرمایند باز بهترین شاهد بنده است ما بودجه هائیکه داریم در قسمت کشاورزی و قسمتهای دیگر همه قسمتهای ارقام درشتی در قسمت کشاورزی حساب کردیم قریب صد هفتاد کشاورزی خرج عمران و آبادی این املاک شده است ولی عایدات اضافی که پیدا شده این عایدات اضافی از نظر همان عمران و آبادی و همان مخارجی است که برای آبادی این املاک به عمل آمده و این عایدات هم در نتیجه آن سعی و عمل و مخارج فوق العاده بوده (بیل سه می - آقای اعتبار عایدات مصنوعی بود) پس وقتی که ما یک همچو املاک با این کیفیت پس می دهیم (دکتر سنک با صاحبانش رد میکنیم) صاحبانش رد می کنیم با قیمتی که روز اول بماند و اگر گذار شده به شاه سابق و شاه سابق به دولت داده آن قیمت را در نظر بگیریم و آن نوشته و قبالة را در نظر بگیریم خلاصه این است که انصاف بدهید این املاک را بر ایگان داده ایم (دکتر سنک اگر تنزل کرده باشد چکار میکنید) تنزل کسه امیدواریم اگر کرده باشد روزگار ترقی کرده آنجا هم ترقی بگردید. . . . . دکتر سنک - املاک کنار جاده را نگاه نکنید (صدای زنگ رئیس)

رئیس - با اینکه همه آقایان حق تعلق کردن دارند چرا داخل صحبت یکدیگر میشوند. وقت را ضایع میکنید نتیجه هم گرفته میشود

اعتبار - خلاصه اینکه ما یک ملک را کسه در نتیجه سعی و عمل و در نتیجه خرج فوق العاده از عایدات با صد تومانی به پنج هزار تومان رساندیم و این ملک را هم بهمان قیمت اولیه مسترد میداریم باید گفت بر ایگان است دیگر اینجا ما بیائیم تا سه هزار تومان نسبت به معامله ای بخواهیم بگوئیم می بخشیم نمیگیریم، این رایگانی است که بنظر بنده منطقی ندارد دلیل ندارد. همانطور که عرض کرده هیچ اشکال ندارد بنده خودم یکی از موافقین این فکر هستم که آقای وزیر داد گستری قانون را بگذارید کنار یک ماده

پیشنهاد کنید و این املاک را واگذار کنید و مجلس هم هیچ چیز نگوید بنظر بنده کار بدی نشده است و کار بدی هم نیست و مجلس شورای ملی هم اینطور صلاح دانسته که بیگدسته از مردم اینطور کمک کنند و شاید تشخیص هم صحیح باشد که اگر ما املاک را بدست اشخاص متفرق بدهیم بهتر اداره شود ولی ما بیائیم بایک فورمولهای مختلف صدی بود املاک را اینطور واگذار کنیم یک صدی دهی باقی میماند. این چه دلیل دارد که اگر کسی سه هزار تومان ملکش قدمت داشته باو مسترد شود ولی اگر سه هزار یک تومان قیمت داشته نباید باو داده شود این چند کتبه کرده است برای این هیچ دلیل و منطقی نمیتوان قائل شد از این جهت بنده معتقدم خلاصه اینکه این لایحه نه بدرد مردم میخورد و نه مجلس شورای ملی حقیقتاً میتواند با اعتماد خاطر بگوید که ما یک قانونی گذرانیم و روی آن قانون هم عمل میکنیم و عملمان را تطبیق میکنیم با آن زیرا تمام آن قسمت هائی که مورد نظر است در قسمت تصرف است و آن هم ایست اصلاً وقتی که ایست مجلس شورای ملی تصویب هرج و مرجی میکند بنظر بنده بهتر از همه این است که آقای وزیر داد گستری موافقت بفرمایند که یک ماده تصویب شود که این املاک را بتمام آقایان هر کس هر جا هست بدهند و لطاف شما زیاد.

وزیر داد گستری - بنده میل داشتم که یک عده بیشتری از آقایان مطالب خودشان را اظهار بفرمایند بعد بنده عرض را در موارد بکنم و امیدوار بودم در شور دوم این لایحه دیگر حتی المقدور از صحبت ها کاسته شود و اسباب تسریع تصویب این لایحه بهتر فراهم شود ولی متأسفانه یا در اثر عدم توجه یا در اثر اشتباهانی که دست داده است به آقای اعتبار رسید بنده محترم باز احتیاج باین است که بعضی مذاکرات بشود. آقای اعتبار فرمودند که مالکینی که در محل هستند رفته اند تصرف کرده اند و باین صرف آنها در ملک دیگر این لایحه معنی ندارد و دولت با تصویب این لایحه یک هرج و مرجی تولید میکند بنده

تصور میکنم مطالب اینطور ایست هم علماً از نظر حقوقی و هم عملاً هم رفته اند سر این املاک و آلهائی که املاک را در دست دارند آلهائی هستند که از سابق هم در این املاک بوده اند خورده مسکنین هستند و دولت هم از نظر اینکه کشت و زرع این املاک معوق نماند مانعی برای این ندید که آنها این عمل را در این املاک نکنند فرستاد دولت در نظر دارد که کمک بخورد مالکین و رعایای نقاط مختلفه که این املاک در آنجا واقع است و مساعدتی برای کار آنها فراهم باشد بکنند و اگر میکند اشتیم تا این لایحه تصویب شود اجسزه بدهیم کشت و زرع کنند موقع میکشند و چیزی کاشته نمیشد و اسباب مضیقه خواریار برای ملکیت فراهم میشد اما این دلیل امده که دولت یک هرج و مرجی را تصویب کرده باشد خیر دولت در آنجا هائی که دید اشخاص خواستند این عمل را بکنند که در نتیجه آن واقعا هرج و مرجی تولید میشد جلو گیری از آنها بعمل آورد و مخالفت کرده و میکنند و لازمه ایست اقدام دیگری بعمل آید چون اقداماتی که تا بحال کرده است مؤثر واقع شده از نقطه نظر حقوقی هم مطالب اینطور نیست زیرا فرستاد هم اشخاص بروند و در این املاک تصرفی بکنند آنها متصرف غیر قانونی خواهند بود که دولت وسائل دارد خلع بد از آنها بکنند چون این املاک دارای اسناد ثبتی هستند و تا این قانون تکذشته متعلق بدولت است و هر متصرفی را غاصب خواهد شناخت و آنها را بیرون خواهد کرد. اشاره که نماینده محترم راجع به آقای فطن السلطنه کرده اند بنده تصور میکنم مبتنی بر اشتباهی بوده است که رخ داده و اطلاع غیر صحیحی است که بایشان رسیده است و آقای مجد در آنجا حاکم نیستند ایشان در گیلان حاکم بوده اند املاکی که بایشان میفرمایند در تنکابن است و تنکابن هم جزء مالکین است و ایشان حکومت در آنجا ندارند بعلاوه ایشان در محل فرمانداری خود بوده و یکی از مالکین جدی دوات بوده و خدمتانی هم کرده است که باید قدر دان کرد ولی ممکن است اشخاصی از خانواده او در آنجا باشند و اقداماتی کرده باشند ولی

قطع نظر از اینکه ایشان فرماندار باشند یا دیگری هر کس باشد از هر شخصی متعددی جاو گیری خواهد شد خواه منسب یا ایشان باشد یا نباشد . راجع با ملاکی که تویض شده است این يك بابی است جدا گانه در این قانون ذکر شده و تکلیف آنها معین شده است البته آنهايي که تویض شده است شکل دیگری دارد و وقتی که بمواد رسیدیم آنجا ملاحظه خواهند فرمود که ترتیب عادلانه داده شده است . حذف بند (ب) را پیشنهاد کردند و موضوع املاکي که در بند (ب) ذکر شده است که قیمتش تا سی هزار ریال است بمانا و بلا عوض واگذار شود و بنابر اطلاعاتی که حاصل فرموده اند که اگر این بند که ذکر شده بگذرد نتیجه این میشود که نود در صد این املاک مسترد خواهد شد و صدی ده باقی میماند و بنا بر این آن صدی ده را هم بیاییم واگذار کنیم اولاً عرض کنم بنده و دولت در این جا پیشنهاد کرده بودیم املاکي که تا بیست هزار ریال قیمت دارد واگذار بشود و بنا بر پیشنهاد آقایانی که پا فشاری میکردند که تا پنجاه هزار ریال باشد و ما دلائلی ذکر کردیم که مصلحت نیست و منظور دولت این است که بخورده مالکین کمات شود چون ممکن است با آنها خسارتی وارد شده باشد و آنها هم از افراد این کشور و ممکن آنها اسباب تمکن و قدرت دولت است ما هم موافقت کردیم که تا سی هزار ریال باشد و این هم منطبق داشت و دارد و منطبقش این است که دولت میخواست بخورده مالکین وزارتین کمات کرده باشد و تا این میزان دولت قبول کرده که با آنها بمانا داده شود ولی این میزان به نود در صد که آقای اعتبار فرمودند نمیرسد بنده هم نمیتوانم که پور سانتاز قطعی این املاک را قید کنیم ولی تصور میکنم از صدی هفتاد تا صدی هفتاد و پنج زیادتر باشد و این هم بنظر بنده خوب است برای اینکه بکشور و عایدات دولت از این راه افزوده میشود . فرمودند ما قانون میگذرانیم برای اینکه املاک خالصه را تقسیم کنیم بین مردم در صورتی که نسبت بیک املاکي که يك دعاوی هست و اذهان همه مردم متوجه است باینکه این دعاوی ممکن است که حقیقت داشته

باشد و از برگرداندن این ها دولت ضرری نمیبورد ما هم میگوییم این اظهارات اگر صحیح باشد بعد از اینکه رسیدگی شد و معلوم شد که این اظهارات صحت دارد ما هم واگذار میکنیم و از برگرداندن اینها دولت ضرری نمیبورد اما اینکه فرمودند این صدی ده چه گناهی کرده اند که ملک آنها داده نشود این بنظر بنده صدی ده نیست و صدی سی است و این بکلی حکمش غیر از آن صدی هفتاد است که عرض شد این املاک مهم و عمده ایست که دولت در خریداری کرده یا عوض داده یا از املاک خالصه برگردانده و بطور کلی از لحاظ مصالح کشور دولت مقتضی نمیداند که این املاک مهم و عمده برایشان با آنها داده شود صرف نظر از نظریه دیگری که ممکن است باشد جهت ندارد بنظر بنده که مالک ملک مهمی که شاید پنجاه هزار تومان عایدات داشته باشد این ملک برایشان باو واگذار شود آنها همی که ما گفتیم تا بیست هزار ریال گفتیم که ملک کوچکی است و صاحبش هم دعاوی دارد و متضرر هم شده است در ظرف این چند سال و کمکی شده است بزندگانی او اما دیگر دولت نمهدی ندارد که به بنده که چند تا ملک شش دانگی دارم و سالی پنجاه هزار تومان بیشتر یا کمتر عایدات بر میداره بیاید صدی ده که سهل است صدی دوهم اگر بشود نباید رد کرد بنظر بنده منطقی و برهان مطلب با خودش است و خیلی روشن است باین جهت بنده با مذاکرات و اطلاعاتی که نماینده محترم دارند تعجب میکنم چطور میفرمایند که تمام این املاک را واگذار کنیم برای چه واگذار شود اگر گفتیم که اشخاصی که تمکن ندارند و ذی حق هستند املاکي که متعلق با آنها بود بهشان واگذار شود آیا نتیجه باید این شود که اشخاصی هم که املاکشان را قبلاً فروخته اند و قیمت خوب گرفته اند بجهت نداشتن آن در بیرون بیایند و ندارد که اینکار را بکنیم بنابر این فرمایشانی که آقای فرمودند بنظر بنده و اکثریت آقایان بطوریکه خودشان هم تصدیق خواهند فرمود وارد نیست و این را میخواستم عرض کنم که اگر زودتر ما بپردازیم بمواد و زودتر این قانون

را تصویب کنیم يك خدمت بزرگی بخواربار و امنیت و آسایش اهالی این کشور شده است و مطالعات دقیقه هم در کمیسیون و در مجلس شده است و بنده بمخلاف عمده معدودی که تصور میکنند این لایحه منافعی ندارد بنظر بنده خیلی منافع دارد و خیلی هم مؤثر است هم برای جامعه و هم برای امنیت کشور و دولت .

انوار - بنده اظهار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .

انوار - بنده برای اطلاع آقایان سه ماده از نظامنامه را تذکر میدهم برای خاطر اینکه آنچه که صحبت میشود در این ماده برخلاف نظامنامه بوده است چون شور دوم است نه شور اول در شور دوم کلیات ندارد شور ثانی باید ماده بماده صحبت شود و رد شود . در شور ثانی صحبت بمواد و اصلاحات پیشنهادی رأی گرفته میشود و بعد از این ترتیبات يك رأی قطعی در لایحه داده میشود ولی قبل از دادن رأی هر يك از نمایندگان حق دارند در کلیات صحبت کنند و یکی هم ماده ۶۵ است که میگوید و هم چنین است طرحتی که خواه . . .

یکی از نمایندگان - این مربوط به بودجه است .

انوار - بله بله صحیح است . ماده ۶۳ است که میگوید اصلاحاتی که در ضمن شور ثانی پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته شود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال میکنند . . . ( همه نمایندگان - این مال بودجه است ) ( صدای زنگ رئیس ) .

انوار - والله من نظر بکسی ندارم آنوقت آقای دکتر سنگ ابرار میکنند و این لایحه میماند تا آخر دوره . اورنگ - همین توضیح نظامنامه هم بدهد مختصر باشد .

انوار - بسیار خوب . يك ماده هم راجع است بحضرت اشرف عالی که در مباحثات باید رعایت شود و اطلاق باید از موضوع مخارج اشرف و آقای رئیس باید او را تذکر بدهند که از موضوع خارج شده . و اگر اطلاق بخواند توضیحانی

بدهد که او از موضوع خارج نشده و دلائلی دارد بطور اختصار در این باب اجازه داده نخواهد شد حال این نظامنامه است و بنده یاد آوری میکنم و خدا شاهد است برای گذشتن این لایحه است بهر ماده که رسیدید پیشنهادات خودتان را بمفرمائید اگر پیشنهاد رد شد بماده رأی گرفته میشود و اگر پیشنهاد رد نشد به پیشنهاد رأی داده میشود بماده رأی داده نمیشود .

رئیس - تذکر جنابعالی صحیح است و همینطور هم که فرمودید آقای اعتبار تذکر داده شد و دعوت شدند که در ماده اول صحبت کنند .

انوار - در ماده ۱۲ صحبت میگردند .

رئیس - گوش بدهید در ماده اول دلائلی داشتند و ذکر کردند ولی این نظر سرکار صحیح است و اگر زودتر این لایحه بگذرد نفع هم است . آقای دکتر سمیعی در ماده اول فرمایشی داشتند .

دکتر سمیعی - بنده در ماده اول عرضی ندارم ولی اگر آقایان اجازه بدهند يك توضیح عرض میکنم .

بعضی از نمایندگان - بفرمائید .

رئیس - بفرمائید .

دکتر سمیعی - آقای اعتبار نسبت باین لایحه فرمایشاتی فرمودند که يك قسمت مربوط بمعاملاتی بود که آقای محمد فرماندار گیلان کرده اند که خوشبختانه آقای وزیر دادگستری هم تصدیق کردند . اولاً شما عرض میکنم که ایشان فرماندار رشت هستند و در مالزندان نیستند ایشان یکی از اشخاصی هستند که واقعا یکی از کارمندان خوب دولت هستند و همه از ایشان راضی هستند همه آقایان مستحضران در قضایاتی که در شهریور ماه رخ داد کاپه کارمندی که از محل خودشان سحرکت نکردند آن محل مصون ماند و ایشان هم یکی از کارمندی هستند که در آن موقع در محل ماندند و انجام وظیفه کردند و واقعا نگاهداری کردند و با يك روح صمیمی کارهای مربوط بخودشان را انجام دادند و يك خدمتی هم نسبت با ذوقه

آن محل کردند باتفاق یکی دیگر از مأمورین که اگر این دو نفر نبودند وضعیت آنوقت آن محل مختل میشد و حالاً باید يك تهمت بیجائی زده شود و اما راجع بوضعیت این املاک بنده بطوریکه آقایان هم اطلاع دارند عرض میکنم که این املاک سه صورت دارد يك قسمت بقیعت خوبی خریداری شده یعنی صاحبانش به قیمت عادلانه فروخته اند و يك قسمت هم املاکی است که تعویض شده بنده در این دو قسمت عرضی ندارم برای اینکه آنها بحق خودشان رسیده اند ولی يك عده شان هستند که واقعا حق آنها ازین رفته یعنی باین عده ظلم شده و املاکی که از آنها گرفته شده باین ترتیب بود اولاً در سال اول که مأمورین املاک بفکر این می افتادند که يك عده املاکی را ضمیمه املاک کنند آب این املاک را قطع میکردند که در نتیجه درآمد و محصول آنجا ازین میرفت بعد در سال دوم بدون رضایت مالک دخالت میکردند یعنی وارد میشدند در محل و دخالت مستقیم میکردند و این ترتیب صورت درآمد آرا میکردند و آرا مالک میدادند و قیمت قرار میدادند یعنی ملکی که در سال قبل درآمد خوبی داشته و در نتیجه قطع شدن آب بعداً درآمد آن سوخت شده در آن سالی که در آمدش ازین رفته در آن موقع يك میزانی از برای آنها معین میکردند و برای آن درآمد دو مقابل یا سه مقابل قیمت معین میشدند که باید باین قیمت ملک را بفروشد و البته تصدیق میفرمائید آنها محصول يك ملک برنج آنها بود بلکه جای کاری توتون کاری صیفی کاری نیز داشته و تمام آنها از بین میرفته و فقط محصول برنج را در نظر میگرفته اند آنها هم با دو مقابل و سه مقابل قیمت درآمد پول میداده اند که بعضی از این اشخاص هم آن پول را نگرفته اند و اما اینکه فرمودند هفتاد در صد بودجه کشاورزی در این جاها صرف میشد این طور نیست تمام این املاک بدست خود زارعین آباد شده نه آنها خود زارعین مازندران بلکه از گیلان زارعین آنجا از چندین فرسخ میآوردند مازندران برای احیاء و آبادی آنجا و راه سازی آنجا يك زارع بدبخت را پیاده از چندین فرسخ میآوردند که جاده سازی و بنائلی و عملگی کنند و این زارعین

هم مجبور بودند غذای خودشان را همراه بیاورند که تحمل باداره املاک نشوند با این ترتیب این املاک آباد شده بنده عرض میکنم از اعتبارات دولت خرج نشده ولی در کجا در همان قسمت جاده شده است اگر شما مازندران رفته اید فقط جاده ها را دیده اید و در محل ها رفته اید در محل ها هیچ نوع خرجی نشده فقط يك راه سازی شده است بدست زارعین این است که بنده بطور کلی فرمایشات آقای اعتبار را نکذیب میکنم که از اعتبار دولت در محل و برای آبادی محل بهیچوجه خرجی نشده است .

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده از تکرار مطالب گذشته صرف نظر میکنم و احتیاجی هم نیست وارد جزئیات و خصوصیات و کیفیاتی که ذکر شده بشود و البته اطلاع زیبایی هم در امور مربوط با املاک ندارم و علی الاصول بنده در شورای این لایحه يك عریضی عرض کردم و حالاً هم اگر در ماده اول و سایر مواد عریضی میکنم از این حیث است این تغییری که آقای اعتبار فرمودند که بطور میشود يك مالک یا مأموری برود و ملک را خودش تصرف کند بدون اجازه دولت . آقای وقتي که همین معامله را با مردم میکردند یعنی بدون مجوز قانونی بدون هیچ استحقاق مالک مردم را میبردند این عکس العمل آن عمل غلط است این عمل غلط نتیجه اش این عمل غلط است که ملاحظه میفرمائید البته این عمل را کسی تصویب نمیکند از هر کس که بخود سری و برخلاف ترتیب و قواعد کاری بکنند باید جلو گیری کرد و کار بد البته بدست ولی اگر کمی توجه بفرمائید که عده کثیری هم از صاحبان املاک بیچاره هستند و مدت ها با بیچارگی بسر بردند نتیجه آن عمل بد استیصال و فقر و پریشانی این عده است که ملاحظه میفرمائید اما با لایحه بنده از دو جهت مخالفت کردم و حالاً هم تذکر می دهم یکی اجرای اینهمه تشریفات بنظر بنده مشکل می آید . يك املاکی را گرفته اند اوایل اسر چون هنوز تجربه نشده بود که میشود ملکی را بعنف و جبر گرفت و ممکن است اوائل اسر يك ملک عادلانه خریداری شده باشد

و يك قسمت هم گویا تعویض شده و شاید هم آنچه داده شده بازش مالک اولی باشد نمی دانم اطلاع ندارم ولی قسمت زیادی هست که آنها صرفاً بجزیره عنف غصب شده با اساساً چیزی نداده اند بصاحبش یا خیلی کم داده اند حالاً این را اگر بنا شود پس بدهند و انشاء الله اینطور است و نظر دولت همین است این را ممکن بود يك ماده واحده تصویب شود که این اشخاص به دفاتر املاک مراجعه کنند و معین است که کسبه مالک بچه تاریخ گرفته شده و برای این قسمت يك اداره کوچکی تحت نظر وزارت دادگستری تأسیس میشود و اینکار را میگرداند و من نگران هستم همیشه از حیث درست کردن اداره و برای يك کاری که باید زود انجام شود این امر احتیاج باین دارد که ادارات دولتی که ملاحظه می فرمائید دیر کار میکنند و اغلب هم خوب کار نمیکنند کمتر تماس حاصل شود و آقایان هم تذکر دادند که باید اینکار زود انجام شود که موقع کشت و زرع هم اگر چه گذشت و اسی باز هم هر قدر تسریع شود به نفع مملکت و مردم است اما رسیدگی باین مسئله با رعایت این مواد بنظر بنده يك قدری طولانی و پر زحمت است مطالبی که اینجا در خود لایحه هست و حالاً هم صحبت شد و آقای دکتر سمیعی هم جواب دادند بنده هم تأکید میکنم و آن مسئله آبادی و ترقی املاک است بنده خودم از اداره کشاورزی حالاً پرسیدم و اطلاع پیدا کردم که اگر استاتستیک بدهند ملاحظه می فرمائید که املاک ترقی نکرده است مخصوصاً در صفحات شمال مازندران املاک از حیث کشت و زرع و محصول پائین آمده است در سایر قطعات هم البته این صدمه بمملکت وارد شده یکی از آقایان در اطراف بودجه وقتی صحبت شد اینجا توضیح داد سایر جاها مخصوصاً کشت برنج را در بعضی نقاط قدغن کرده بودند چرا ؟ برای اینکه برنج منحصر باینجا باشد و به قیمت بیشتری خرید و فروش شود بنده عرض کردم که این را تحقیق کردم کشت و زرع مازندران پائین آمده و از حیث محصول نازل پیدا کرده اما از حیث صورت البته بنده خودم چند سفر بمازندران رفتم جاده های خوبی هست

يك قسمت عمارات خوب ساخته شده که کسی را آن نوراه نمی دادند خالی بود به درد ما هم که مسافر بودیم نمیخورد تا چه رسد به درد زارع و دهقان و اهالی بنده این اطلاع مستقیم صحیح را از اداره کشاورزی دارم که محصول چون از حیث کمیت در صفحات مازندران و جاهاییکه این عمل اجرا میشد باین تر بوده آن وقت از بودجه کشاورزی معلومون میشد آن کسری مثلاً فرض بفرمائید ده خروار پنبه امسال از این ملک حاصل بر منی داشتند در صورتیکه سال پیش پانزده خروار بوده این پنج خروار کسری را از اداره کشاورزی می دادند و همچنین از حیث قیمت هم همین عمل را میکردند به همین جهت در این چند ساله بهره و استفاده از وجود کشاورزی مملکت نبرد و در اطراف بودجه رقتی که صحبت میشد کفتم فلسفه تشکیل اداره کشاورزی برای ما همین مسائل بوده است همین جهت بود که در این چند سال ملاحظه فرمودید ما بهره نبریم و استفاده نکردیم و مملکت ما از وجود این اداره استفاده نکرد برای اینکه تمام اهتمامش در این راه بود مخصوصاً و اما انشاء اگر گفته شود واقعا در يك ملک دخل و تصرف شده و يك مقداری هم آنچه خرج کرده اند و شاید ترقی هم کرده باشد نسبت به ده پانزده سال پیش در خود تهران و در سایر جاها ملاحظه میفرمائید از این روز و ترقی کرده ملکی که ده سال پیش فرض بفرمائید هزار تومان بوده دو هزار تومان قیمت پیدا کرده اما باین اصل مسلم را در نظر گرفت اولاً ملکی را که بعنف گرفته شده حقا شرعا قانوناً اصافاً هر اندازه هم ترقی کرده باشد باید این نکته را در نظر بگیریم که اگر بنشیند مالک اصلی را که حالاً ملکش را نهش پس میدهیم بخوایم قیمت آنچه که مصرف این ملک که غاصبان و بر خلفا در آنجا کرده ایم از او بخوایم او هم زیحق است که از ما خسارت عمرش شرفش عاقله اش عوائلش را مطالبه کند ( صحیح است ) عرض کنم يك نظری که در مادماول من و چند نفر از آقایان داشتیم که در شور اول هم عرض شد حالاً هم ناچار باید تذکر بدهیم اگر چه میدانم توجه بخورند فرمود این است که اساساً این فرمول

صحیح نیست آقا ملک اگر واقفاً خریداری شده و مسالك شاه سابق را می شناسید و حالاً هم اگر حقاً متعلق بدولت است بهمان دلیلی که آقای وزیر دادگستری فرمودند جهت ندارد که ما بیایم این را به بخشیم مردم و اگر اینطور نیست و معتقد هستیم که این املاک بجنب از مردم گرفته شده و مغبوب است و متعلق به مردم است این فورمول اصلاً صحیح نیست آقا.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - آقای انوار باک تکه کرنی دادند راجع بنظامنامه بنده هم با ایشان موافق هستم متأسفانه اغلب آقایان را می بینم در ماده اول مذاکراتی میکنند که مربوط به ماده اول نیست و راجع است به مواد دیگر در هر صورت قصد بنده این بود که در ماده اول صحبت کنم بنده در شور اول در ضمن صحبت هائی که شد پیشنهاد هائی دادم که ارجاع شد بکمیسیون که یکی از آنها دوازده ماده بود که بجای این بیست و پنج ماده پیشنهاد کرده بودم و به طوریکه شنیدم متأسفانه در کمیسیون به آنها در پیشنهادات بنده بحث نشده بود اساساً اینطور شنیدم که دو ماده آن را خوانده بودند و بقیه را اصلاً نخوانده بودند باز هم شنیدم که آقای وزیر دادگستری نظرشان این بوده است که این پیشنهاد نیست و طرح قانونی است باید طبق تشریفات بمجلس داده شود در صورتیکه اصولاً اینطور نیست طرح وقتی است که موضوع آن پیشنهاد در مجلس مطرح نشده باشد این موادی که بنده پیشنهاد کردم در مجلس مطرح بوده و در کمیسیون میبایستی مورد معامله قرار بدهند اگر صلاح بود اصلاح کنند و الا رد کنند در هر صورت بنده حالا نمی خواهم در مواد پیشنهادی خودم صحبت کنم و حالا در شور دوم دیگر مورد ندارد اما در ماده اول چون باک پیشنهادی هم داده ام برای اصلاح این ماده و بنده خیلی مهم میدانم آن پیشنهادها در اطراف آن صحبت میکنم وقتی که پیشنهاد بنده مطرح میشود دیگر صحبت نمیشود در اینجا مینویسد که این قضائی که این موضوعات باین مهمی را طرح خواهند کرد و فقط بموجب

را بعنوان قیمومیت مهر فی کرد و داری آن تشریفات قانونی هم نبود شاید در خارج هم اشخاص دیگری خودشان را قیم می دانند این قضات چون آزاد هستند یعنی مکلف نیستند که رعایت قانون مدنی را بکنند این چه طور میشود چرا نباید اینقدر اینها را آزاد بگذاریم در هیچ جا سابقه ندارد که یک قضائی باشند که مکلف بر رعایت این همه قوانین باشند مگر در تاریخ حقوق که ما خواندیم که در سه هزار سال قبل فقط قضائی بودند که آن الواح دوازده گانه را مجبور بر رعایت بودند ولی امروز نباید این طور باشد از این جهت بنده پیشنهاد کرده که در اینجا علاوه شود که شکایات و دعاوی اشخاص بموجب مقررات این قانون و مقررات قانون مدنی که باین قانون منافات نداشته باشد رسیدگی شود این هیچ مانعی نخواهد داشت گرچه بنده پیش بینی میکنم که آقای وزیر دادگستری در جواب عرض بنده خواهند فرمود که این قضات مکلف هستند که قانون مدنی را رعایت کنند و ما هم معنی نکردیم و اینک نوشته شده بهیچوجه مانع از این نیست که قانون مدنی را رعایت نکنند بنده هم جواب عرض می کنم مانع نخواهد داشت ولی از ایشان استدعا میکنم این جمله علاوه شود که بموجب مقررات این قانون و مقررات قانون مدنی که با این قانون منافات نداشته باشد برای اینکه اگر آقایان وقت کنند این قانون فقط آنها وضعیست باک جور نیست موضوع جنگل ها قتموات و دیگر موضوع امارات و دلائل است می دانید در قانون مدنی راجع بکیفیت دلائل و کیفیت امارات باک موادی هست که خیلی اهمیت دارد از اینجهت بنده خیلی ضروری می دانم که این جمله علاوه شود و پیشنهاد را هم تقدیم میکنم

نقابت (مخبر کمیسیون) عرض کنم باک جمله در بیانات آقای اعتبار بلا جواب ماند راجع باینکه در نتیجه ترقی املاک و خرج معنای در مورد آنها این املاک ترقی کرده است و خوبست وضعیت حین انتقال مورد توجه شود نه وضعیت امروز این بیان خیلی صحیح بود و در شق (ج) ماده ۱۴ پیش بینی شده است زیرا در آنها گفته میشود حکم برده بهای کنونی

ملك مزبور (مطابق روزنامه صرف صادر میشود) بنابر این نظریکه آقا داشتند در این ماده تأمین شده آقای طباطبائی راجع به تشریفات زیاد و فورمول این قانون انتقاد فرمودند بنابر این است که رسیدگی شود که آیا شاکی حق دارد یا نه آیا اصلاً ملك اینجا داشته است یا نداشته است پول خوب گرفته یا نگرفته حق دارد یا ندارد بهتر صورت این يك مرجع لازم دارد و در رسیدگی بحق همیشه رسیدگی کامل خواهد شد که بگذری با دقت و صرف وقت رسیدگی شود این فورمولی که مادر سنوات اخیر پیش بینی کردیم که رسیدگیهای قضائی خیلی تند و سریع و با عجله باشد این غلط بوده است در قصورت عجله صلاح نیست خود مرور زمان حل میکند اما راجع به پیشنهاد آقای دکتر جوان البته چون قرانت نشده است جمله که بیان کردند در ماده ۱ نوشته شده که نسبت باین املاک بخصوص مطابق مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد چون قوانین دیگر راه رسیدگی ندارد زیرا املاکی که سند مالکیت دارد و بنام يك مالک ثبت شده هیچ اعتراضی بر علیه او پذیرفته نمیشود مطابق قانون ثبت اسناد بنابر این چون راه بسته بود از طرفی هم اینطور شد که این معاملات و املاک انتقال به دولت هم پیدا کرده و مالی که ملك دولت شد به موجب قانون اساسی دولت حق ندارد به کسی بدهد مگر به موجب قانونی که از مجلس شورای ملی میگذرد با بجهت این قانون جواز رسیدگی و دخالت در آن امر است که باید رسیدگی شود و طبق این قیود و شرایطیکه در ماده ۱۴ بیان شده است پس داده شود و اما اینک فرمودند بهتر این است که قید کنیم به موجب مقررات این قانون و سایر قوانینی که مخالف با این قانون نباشد یا قانون مدنی که مخالف با این قانون نباشد این قید مثل این است که این مقصود اصلاً نفی شده یعنی بقاضی الهی شده است که رعایت قانون مدنی را نکن در صورتیکه این قید طبیعتاً هست و نمیتواند قاضی رعایت نکند دایمش هم همین مالی است که خودشان بیان کردند زیرا فرمودند صدیقی ادعایی دارد و باید برای او نصب قیم شود و ملك را باید به کسی داده که نصب قیم کرده باشد در هر

صورت همین رعایت قانون مدنی است و اینکه میفرمایند که رعایت قانون مدنی را بکنند خیر این نظر صحیح نیست زیرا وقتی که در ماده ۶ و ۷ اجازه دادیم در اینکه بدو آشنا کی باید صلاحیت خودش را محرز کند که من چکاره ام و از من مالکم و کیلم. قیسم هشتم سمت خودش را باید معین کند حتی قید شده است مدار کش را باید ارائه دهد و بایستی بدو اصلاحیت اشخاص و سمت آنها تشخیص شود اینها تشریفات مقدماتی است اما قانون مدنی در مورد سایر املاک این املاک مورد بحث که انتقال یافته فرض میفرمایند ملک دولت است هیچکس امروز حقی ندارد و قتیکه اجازه داد رسیدگی شود و حقوق سابقه آنها ملحوظ شود آن وقت با رسیدگی کیفیت رسیدگی مقرراتی که در اصول محاکمات حقوقی و سایر قوانینی هست رعایت میشود الا اینکه یک آیین نامه هم مقرر شده که خیلی تند و سریع و به زودی تهیه بشود تشریفات را ساقط کرد اشخاص را با تلفون خواست با تلگراف خواست که سریع شود و الا آن مقررات همیشه رعایت میشود فرمایش آقای دکتر جوان مندر اینکه اصلاً نظارتی آن مقررات بوده و حال اینکه هم مقررات قانون مدنی مطابق سابق باعتبار خود باقی است و البته رعایت خواهد شد

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - بنده قبلاً میخواستم عرض کنم که آقای اعتبار همیشه بنده را تشویق میکردند و اظهار میکردند که آنقدری که از شما بر میآید خدمتگذاری کنید ( بنده هیچوقت دروغ نمیگویم و ادعاهم همیکم که شما نسبت به این آقایانی که اینجا هستند تا آن اندازه که از شما ساخته است خدمتگذار هستید ) مخصوصاً بمن میفرمودند اگر اینها بمن مراجعه میکنند من احواله میکنم شما حالا یکدفعه نمیدانم که چه طور شو آقای اعتبار تغییر عقیده دادند البته چون برای ایشان اشتباهانی رخ داده بنده هم از ایشان رفع اشتباه میکنم فرمودند در بعضی جاها املاک در دست مردم است اینطور نیست بنده در حضور آقای وزیر دادگستری عرض میکنم چندین تلگراف هر روز ما داریم در اینجا که عرض

آقا میرسانم همه عرض میکنند که آقا نمیگذارند ما زراعت کنیم تخم بکاریم ما هر روز از اینجا تلگراف صادر میکنیم برای ما معلوم نیست که در اینجا هستند آقای استوان است نویسنده است رجالی هست اتصال مأمور دولت میرود و ملاحظه میکنند اینطور نیست آقا بنده راجع بموضوع حرف میزنم اختصاص ندارد بمازندران و اگر هم اختصاص داشته باشد بمازندران گناه بنده نیست اما جاهای دیگر را اطلاع ندارم بنده میدانم در کرمانشاه چه وضعیتی است شاه آباد چه طور است چه میشود بنده در یک قسمت هستی که اطلاع دارم و مورد بحث است عرض میکنم اگر چنانچه اینها را میگذارند بروند سر املاکشان و بعد رعایتی خودشان مشغول شوند خیلی بهتر از این بود که برفته باشند چرا که اینجا همانطور که آقا میفرمایند جای چر است بنده عرض میکنم چرا

اگر اینها میفرستند سر املاکشان اگر ملک مال خودشان بود یا نبود که برفته بودند و زراعت کرده بودند و به موجب این قانون یا مال خودشان میشود یا مال دولت اگر مال خودشان بشود که خوب یک قانونی است و به موجب قانون مدنی هم مال خودشان است و اگر هم مال دولت بشود حال اینها برفته بودند و زراعت کرده بودند و تخم کاشته بودند خوب این چه عیبی داشت من نفهمیدم باین دلیل حق این بود که بگذارند این مردم بروند و مشغول زراعت شوند تا وقتی که این قانون میگذشت اگر مال دولت بود که دولت میبرد اگر نبود که سر ملکشان بودند بنابر این عرض میکنم هیچکس سر ملک خودش نیست حالا بنده که آقای مجد را می شناسم فرضاً اگر آقای مجد یا آقای نجد یا یک فرماندار دیگری همچو کاری کرده این گناه برای دو ملیون نفوس بی گناه بیچاره بدبخت بی تقصیر نمیشود این مردم چه گناهی دارند بنده نمیدانم این مازندران چه مصیبت هائی باید بر سرش بیاید آقای اورنگ مرقوم فرمودند که میخواهند حرف بزنند اگر اجازه بدهند با اجازه ایشان بنده یک رباعی بمصدق حال مازندران میخواهم هر بلایی که زاسمان بارد کرچه بر دیگری قضا باشد بزمن آسار رسیده میگوید خانه اوری کجا باشد

هر مصیبتی که آمده بنده ملاحظه مازندرانها آمده است آقای حاکم برفته است فرضاً سر املاکش ربهلی بمازندران ندارد به اینها مربوط نیست فرمودند که صدی بود املاک بر اینکس برفته آقای اعتبار اینطور نیست خودتان معتقد هستید و ملاحظه میفرمایید که اینها اشخاص خورده مالک هستند بیچاره هستند هیچ چیز ندارند سالها است ملکشان را از دستشان گرفته اند حالا که میخواهند پس بدهند این رایگان است بنده خیلی تعجب میکنم از این فرمایشی که میفرمایند آقای اینها بیچاره هستند بدبخت هستند حالا هم که خدا خواسته است بحق خودشان برسند اینطور میفرمایند آقای اعتبار شما شخص محترمی هستید من شما را می شناسم و بیشتر روی این قسمت شما ارادت دارم که شما شخص محترمی هستید این املاک را بدو آن میتواند داشته باشد نه کس دیگری فقط باید بدست صاحبش برسد نه رجوعی از آنجا باشد این را خدا خواسته است

فرمودند این املاک ترقی کرده از کجا ترقی کرده برای اینها در اینجاها خرج کرده اند بله خرج کرده اند قصر ساخته اند مقداری هم خرج قصر کرده اند آقای هیچ مازندران این توقع را ندارد و این تقاضا را نمی کند که قصر مال او باشد اصلاً بدرد او نمی خورد حالا اگر کسی آمد و یک حق الارضی خواست از بابت آن زمین این بسته است باصاف خودتان اما کی هم اینها بابل سر پاچالوس را میخواهند بدرد کی میخورند؟ هیچکس مشهدی احمد یا کربلایی فلان قصر بچه در دست میخورد. اینها همه بیچاره شده اند و از بین رفته اند ده صد خانواری رسیده است به بیست خانوار آقا خوب آقا کجایش ترقی کرده است تلگرافائی که میرسد ملاحظه میفرمایند بدینند چه خبر است تلگرافی رسیده بود خدمت حضرت اشرف در آنجا عرایضی کرده اند که ما بذر نداریم بلکه بذر بدهند زراعت کنند اینها اسباب داشتند تا نیمه داشتند فرش داشتند چراغ داشتند همه چیز داشتند حالا هیچ ندارند بیچاره شده اند آقا باید نسبت باین مردم ارفاق شود در اینجا قربت شصت نفر از آقایان پیشنهادی امضا کردند که تا پنجهزار تومان بر اینگان داده شود بالاخره با سه هزار تومان موافقت شد برای چه؟ برای

اینکه اینها بیچاره شده اند و شما خودتان هم میدانید و کاملاً متوجه هستید منتها شما را دچار اشتباه کرده اند پس حالا اجازه فرمودید و لازم شد که بنده شما را از اشتباه بیرون بیاورم این ارفاق برای این است که این بیچاره ده سال از عایدات ملکش محروم مانده خودش عائله اش بیچاره شده اند و از بین رفته اند پس آقای اعتبار خدا را هم نباید در مد نظر داشت استعدای ما محترم حضرت تعالی هم موافقت میفرمایند نسبت باین مردم آطور که خدا و وجدان گفته است عمل شود بگذارید و کمات بفرمایند این قانون خوبی است بنده استظهار به فضل حضرت خداوندی است و بعد از آن هم به آقایان. و این مردم هم از همه آقایان امداد امیدمان را دارند و استعدا عا شان این است که زودتر این قانون بگذرد این بود عرایض بنده دیگر بسته است بنظر آقایان. رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض میکنم که امری بمقتضای من یک سو، تفاهمی پیش آمده است که همه هی آقای اعتبار را موضوع قرار دادند و در اطراف بیانات ایشان مباحثه می کنند. ایشان هم مثل همه آقایان خوب برای همه آقایان اتفاق افتاده است که ده نفر از ده نفر می آیند و صحبتی با آقایان می کنند که فلان محل فلان ملور است یا فلان چیز فلان جور شد ایشان هم که گناهی ندارند ( یعنی اعتقاد من این است ) و چیز نامعلومی هم نگفته اند انصافاً.

اقبال - مثل اینکه کمش را گفته اند. اورنگ - خوب حد وسط را میگیریم. عرض کنم بنده چنانچه خاطر آقایان محترم مستحضر است یک مقدار از زمان در همان جاهائی بودم که الان این همه دعوا پیش اینها مطرح است نه آطور است نه اینطور است غالب اطلاعاتی که آقای دکتر سمعی بیان فرمودند من در آن هم حرف دارم حتی در اطلاعات آقای وزیر دادگستری هم ( بخنده ) ما اینده املاک در آن هم حرف دارم آن خورده مالک صدی هفتاد هم نیست گوا اینکه ایشان بقید تردید هم بیان فرمودند و ذکر کردند در هر حال مطالب آطور ها هم که اینجا



در پیش ما گفته میشود ایست من در طهران که بودم و برفته بودم بگیلان و آن صفحات بخود من هم چیزهایی می گفتند بعد که رفتم بگیلان و مازندران و آنجاها اصلاً از آنچه که شنیده بودم اثری ندیدم منصفانه عرض میکنم من آن اطلاعاتی را که اینجا در طهران میگفتند و میباید اینجا ذکر کنم آقای اعتبار من در گیلان و مازندران اثری از آنچه شنیدم ندیدم دخالتها و چه و فلان و اینها دروغ بوده است قضیه این است بعضی چیزها بآدم میگویند انسان وقتی که بمحل میرود می بیند اینطورها هم نیست و جور دیگر است همین بسرف گفتن فلان و فلان اینجورها نیست و نمیشود روی آن قضاوت کرد. ما مطالب این جوریکه آقایان ذکر کردند هم نیست مثلاً در لنگرود. علی آقای امینی در لنگرود ملک خودشرا الآن مشغول است دارد فلانخو میکند یعنی از بین باغهای چالیش خار و گیاه بیرون میآورد این ملک را نه خریدند و نه قبالة گرفتند بزور رفتند سر ملک و از او گرفتند و شش سال علی آقای امینی فراری بود و پیدایش نکردند شب اینجا بود روز آنجا صبح تبریز بود عصر مشهد خلاصه گم بود حالا رفته است سر باغش الآن هم چیزی ندارد که او بیاید بگیرد شش ماه دیگر اگر محصولی داشت و بدست آمد میگیرد در حرم حاج میرزا حبیب الله امینش و پسر او حاج میرزا یحیی خان و نسواده های ایشان یعنی پسران حاج میرزا یحیی خان (سه پسر دارد فعلاً) من همه رامی شناسم یکا یک می شناسم و جزئیات کار را میدانم اینطورها نیست که اینجا در طهران میگویند آنجا که رفتید می بینید اینجور نیست. رعایایی بودند گرسنه بودند بیچاره بوده اند بدبخت بوده اند حالا جمع شده اند اینها هم تشویق شده اند که بکارند و بشما بدهند و اینجور نیست وضع که بیاید بگوید سلام علیکم بنده متصرفم در ملک شمال. اینطور نیست ها. اما این حرفهایی که اینجا ما میزنیم حقیقتش را عرض میکنم همان شخصی که ازش اینجا صحبتی شد از جنبه عمومی و منصفانه حقیقه خیلی خیلی عملیاتی قابل تمجید است اگر بنا است (آنچه که من آنجا دیدم) قدردانی بشود

از یک آدمی از یک مستخدمی که وظیفه خودشرا انجام داده است (بنده از نزدیک دیدم) یکیش همین آدم است (صحیح است) من میباید ندانم که صحبتی شده از این شخص در مجلس و مجلس جای این حرفها باشد حالا که گفته شده عرض میکنم که بهر حال خیلی این آدم آنجا عاقلانه رفتار کرد اگر یک مأمور عادل عاقل آبرورمندی در سیاست خارجی (مخصوصاً) و در سیاست داخلی باشد از این دو معنی من میتوانم بگویم که بهتر از این آدم ندیده (صحیح است) بسیار آدم عاقلی است بهر حال من باختصار میگویم راجع باین موضوع و عرض میکنم در اطراف این قضیه خیلی مطالعه کرده ام دقیقه از عمر شما که این لایحه را زودتر بکنند تصویب کنید سعادت این کشور خدمت کرده اید لفظ مازندران نشنوید لفظ گیلانی نشنوید صحبت با اشخاص نیست این کار را من اینجا عرض میکنم و از توضیحش هم عالماً عامداً ملتفتاً ظفره میزنم و دلم میخواهد این فهمیده شود (صحیح است) هر دقیقه که این لایحه با هر کیفیتی بگذرد که یک مرجعی معین شود در کشور که هر شاکتی در این کشور بهر عنوانی از این مباحث هر صحبتی دارد بآن مرجع مراجعه بکنند و آن مرجع فصل کند آنرا این سعادت این کشور است. دلایلی را هم که آقایان ذکر کردند هیچکدام کایت ندارد مثلاً آقای دکتر سمعی فرمودند افرادی که تعویض کرده اند مثل اینکه وضع آنها خوب است.

**دکتر سمعی** - بعضی هارا گفتیم همه را نگفتم

**اورنگ** - یا آن افرادی که پول گرفته اند از سنه فلان تا سنه فلان چطورند و از آن سال ببعد نگرفته اند یا نه گرفته اند یا بد داده اند آن هم که آقای محیط فرمودند کایت ندارد نه این است که عرض میکنم که آقایان آنچه فرمودند درست نیست. درست هم هست شاید بعضیها هم پیدا شوند و بقدریکه داده اند بیشتر گرفته باشند این هم هست اما عرض کردم کلیت ندارد. در تعویض قاسم آباد بالای لنگرود که گرفته شده است این مأمور (مأموریه) در زیر زرد داده شده است آن هم چهار دانگش را دو دانگش را هم فروخته

آن اشخاص به بیست هزار تومان آن چهار دانگش که بعوض قسم آباد دادند محمولش هفتصد تومان است و حال آنکه شش دانگ قسم آباد صد هزار تومان عایدش است بنده نمیتوانم این تعویض را چه جور درست کنم! قضیه همانست که عرض کرده کایت ندارد در مورد اشخاصیکه تعویض کرده اند این مال صاحبان قسم آباد در آن اشخاصی هم که بگرفته اند از سنه فلان به این بابیلا بدش هم هست. خوش هم هست پس مرجع لازم دارد که آن مرجع رسیدگی کند. دلایل با اسناد با امارات بهمه چیز و واقعاً اینرا هم عرض میکنم که یک قسمتی را هم خواهید دید در پس فردای این محکمه اگر من هم مردم شما یاد من بکنند مردمی باین مرجع مراجعه میکنند که مالک این املاک نیستند اینرا خواهید دید مردمی میروند از همه بیشتر گریه می کنند و عرق میریزند بچه پاره میکنند دوتا رباعی هم بقول آقای دکتر سنک (یا دوتا دو بیتی) میخوانند و ملکش را میخواهد و حال آنکه این دوطرفی آن جا ملک ندارد و آن مادر مرده که واقعا مالک ملک است یا از ناتوانی یا از بیچارگی یا از بدبختی یا از داشتن مشوره یا از داشتن وسیله صدایش هم در نیاید و در یک گوشه افتاده است سه سال چهار سال گرسنگی خورده چطور داد بزددادزدن هم فرع بر سبزی است می بینند من که حالا کم داد میزنم برای این است که ناها را بخوردم. به هر حال این وضعیت این املاک است که ما اگر چنانچه مساحت این کشور را واقعا نظوری که میخواهیم (ومن قسم میخورم که همه میخواهیم) صحیح است) چون موجب ندارد که نخواهیم اگر حقیقه با اعتقاد من یک دقیقه زودتر این لایحه بگذرد صد درصد مساحت این کشور است. و اما راجع بماده اول البته من پیشنهادی دارم که اینجا هست و در ماده اول همانطور که آقای اوار فرمودند و نظامنامه داخلی را هم خوانند اجازه هست که در اطراف کلیات یکمقداری و لو باختصار صحبت بشود...

**اوار** - ولی نه در شورئانی

**اورنگ** - این پیشنهادی که بنده دارم راجع باموال

منقوله است چون لفظ غیر منقول را ایجاد دارد و نوشته نسبت باموال غیر منقوله اینکه الی آخر ماده بنده پیشنهاد کردم (اموال منقول و غیر منقولی) این توضیحاتش را هم بخود آقای وزیر داد گستری عرض کرده بطور تفصیل بسا چیزهاست که در اینجا مورد ادعاست البته مورد نظری است بعضیها این قبیل مورد ادعا را منقول تشخیص میدهند بعضیها غیر منقول اند. قابل نظر است این دست دوتا قضای که میافتد یکی میگوید نامه آن دسنی فلان جا و فلان ملک غیر منقول است چون راجع بملک است و دیگری منقول میدانند و هست بکسومت اموال منقوله که مورد ادعا است و این البته مورد اشکال است و ممکن است این امر پس فردا در عمل محل و مورد نظرات مختلفه واقع شود پس یک لفظ منقول هم اینجا بگذارید تمام میشود. خوب شکایت است دیگر اگر صحیح است پس از اثبات داده میشود به افراد چه منقول چه غیر منقول اگر هم واقعا ناحق است چه منقول و چه غیر منقول باو داده نمیشود. اما یک نکته را آقای دکتر جوان فرمودند من واقعا مانع نشدم عرض میکنم ایشان فرمودند که من خیلی تعجب میکنم اموال باین مهمی به دست قضایی سپرده میشود که آنها بموجب یک ماده قانون مسئول باشند و مشغول کار شوند این خیلی کم است بر حسب بزرگی و عظمت این دعوی - من عرض میکنم آن جوابی که آقای دکتر نقابت فرمودند...

**اقبال** - تبریک میگویم دکتر هم شداد

**اورنگ** - والله الحمد. بگوئید تا پیدا کنیم. جوابیکه ایشان فرمودند والله خیلی متین بود چون نفی نکردند مسئولیت آنها را بالنسبه بقواین دیگر. ما یک اصل داریم و اصل این است که انسان مسئول است بیک کلمه بیک کلمه قانونیکه حق مردم را بشناسد و بنده همین و همین وقتیکه بنا شد این مانع ندارد که اسبابی وارد شود در یک عملی خوب مدرکش که هست وارد میشود وقتیکه قاضی تشخیص داد این حق مسال این آدم است خوب بهش میدهند دو هزار ماده هم میخواهد سخن حساسی کوتاه و کم است مردم نا حساسی پیدا

شده اند در دنیا که این صحبتها هم زیاد شده است .

از آن دم که شد قاضی حق نهان  
بر از دیو کز گوی گشت این جهان

( صحیح است . احسن است احسن )

رئیس - آقای حمزه تاش

حمزه تاش - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - از اینکه هیچیک از نمایندگان در این

لایحه نظر خاصی ندارند تردیدی ندارم برای اینکه در حقیقت

برای هیچکس فرق نمیکند این ملک و ثروت مال ملت است

و آنها هم ملت هستند چه فرق میکنند و همانطور که آقای

اعتبار فرمودند گمان میکنم نظری نبوده است که فلاکت

استاندار بوده یا فرماندار بوده این حقائق است که اگر ایشان

می فرمایند و در واقع گناه کرده اند بعضی از آنها برای این

که قسمتی هم از این معاملات در حوزه انتخابیه بنده است

کسی در عوض ملکی ملک دیگری بیک اشخاصی داده شده

بنده اسم اشخاص را نمیبرم ولی اسم محل را خواهم برد یکی

از آن املاک یک ده معظمی است در تنکمان که دارای چند

مزرعه مهم است در ساوجبلاغ تهران این را بیکنفر داده اند

و علاوه بر قیمتی که دولت باو داده او هم فروخته است

بدیگری شاید این معامله صد هزار تومانی را اگر بخوایم

امروز از آن خریدار پس بگیریم پیاصد هزار تومان هم ندهد

این ملک را . این ملک فروخته شده است و مالک همین ملک

هم سر ملک قبلی خودش رفته و تصرفات هم میکند خوب

این رفتار جاهلانه است و رفتار عاقلانه نیست . از

طرف دیگر در همین املاک معاوضه شده است که در همین

قانون هم نوشته شده که باید مسترد شود این املاک دچار

یک معاملات عجیب و غریبی شده است که اگر بنا باشد

این املاک را بدهند و آنها را بگیرند باز هم دچار اشکال

قانونی خواهد شد . بنده بخل ندارم و بخوبی بدستم برای

اینکه رویه کشاورزان اینطور است که هر مالکی که ملک

را آباد کنند آن را دوست میدارند حالا چه بهتر از این که

این املاک بدست یک اشخاصی بیفتد که آن ملک را بهتر از

سابق آباد کنند اما یک رفتار بی انصافانه میشود که ما را

مجبور میکنند بعضی مطالب را عرض کنیم . مثلاً آقایانی

که ملک خودشان را اجاره داده اند یا فروخته اند آنها باز

مداخله در املاک میکنند . این عرض را که بعرض مجلس

برسانیم اظهاراتی است که یکی از مباشرین دولت برای بنده

کرده است یعنی یکی از مأمورین محترم دولت است و شخصی

نیست که دروغگو یا کزافه گو باشد . او میگوید بناهای

دهقانی و روستائی را که با آن خوبی ساخته اند دارند خراب

می کنند شیشه ها را می شکنند برای اینکه در موقع تقویم

این بناها ارزش کمی داشته باشد یا هیچ ارزش نداشته باشد

انصاف بدهید این معنی عمران و آبادی است ؟ باغات چائی

را که با هر ترتیبی هر کس بزحمت خودش ایجاد میکند

گاو و حش و میریزند در مزارع و باغات چای و بوته های

چای را که با این خوابه جگر عمل آمده است میچرانند این

خوبست ؟ امنیهائی که مأمور مباشرین دولت هستند روزها

ببداشیرین سلام میدهند ولی شبها در منزل آقایان مشغول

کشیدن و افور یا خوردن و خوراک هستند انبارهای درآمدی

که در آنجاها هست این اطلاعاتی است که از اداره املاک

واگذاری رسیده است در انبارهایی که در آنجا هست میروند

و میریزند و میبرند و تقسیم می کنند بنده دیگر نمیخواهم

حالا حرفهای دیگری را بزنم و وقت مجلس را بکسریم قضیه

این املاک را ما همه مان میدانیم و خیلی هم مایل هستیم

که اگر حقیقی از هر کس فوت شده بصاحبش مسترد شود

در این هم تردیدی نیست املاکی که اعلیحضرت رضا شاه

پهلوی از این اشخاص خریده دارای چند صورت بوده است

یکی اشخاصی بوده اند متنفذ بنده یقین دارم که سه روزی

اجبار ملکی با آنها داده شده و برای تأمین کشور آنها را از

جاهایشان خارج کرده اند و بمحل دیگری آورده اند ولی

البته آنها را رضی بوده اند ولی خوب صلاح کشور را اینطور

میدانستند که متنفذین در این محلها نباشند و از لحاظ امنیت

بوده . قسمت دیگر املاکی بوده که در اثر پشت هم اندازی و

خوش زبانی و آن چاپلوسیهای مباشرین محل - مردم واگذار

میکردند یعنی وادار میکردند مردم را تحت عنوان اینکه مالک

درخواست کرده است که اعلیحضرت این ملکها بخردند در

سورتیکه اینطور نبود بلکه این اظهار برای خود شیرینی بوده

و بعد اجازه داده میشد که این املاک را خریداری کنند البته

مأمور هم در آنجا نظر داشت شاید از مبلغی هم که ارزش این

ملک بود کمتر می خریدند آن هم برای ثقل و تعلق و

چاپلوسی و بلکه بدبختی خودش بود . یک قسمت دیگر از

املاک که خریداری شده این بود بعضی مالکین که عرصه

داشتند و شریک الملک هم داشتند استدعا می کردند که قربان

تقدیم می کنیم آنوقت امر می شد خریداری کنید البته آنوقت

از هم بنده و امثال بنده که ایرانی هستیم اسبابی فراهم کردیم

که آن بدبختها را از همتی ساقط کنیم ولی شاه نظری نداشت

قسمت دیگر از املاک را در تحدید حدودها مالک مست

خورده مالکین بجزیره را هیچ ضمیمه می کردند و میبردند

ملکی را از آقا خریده بودند در تحدید حدود ملک آن بجزیره

رعیت و خورده مالک را هم جز ، و ضمیمه آن املاک میکردند

البته اینطور املاک را بدون چون و چرا با اجرة المثل باید

صاحبانش مسترد نمود بلکه باید از آنها معذرت هم بخواهیم

البته اگر بخواهیم یک نظر خصوصی اعمال کنیم یا اظهارات

و بیانی بکنیم و یا توی رو در راستی بیقیمت یعنی نگوییم که

حق با کیست و سخن را نگوییم گمان میکنم خلاف وظیفه

است بنده یک نفر کشاورز هستم و از کشاورزی تادرجه مطلع

هستم عرض میکنم املاکی را که شاه سابق خریده است آن

خرابه و آن آباد طرف مقابسه نیست ملاحظه بفرمائید بنده

ادعا میکنم بلکه در تمام دنیا این املاک در ردیف اولین دهات

دنیاست ( قیاس - دنیا ) ؟ حالا چه ضرر دارد رسیدگی کنند

مسا هیچ مخالفتی نداریم ، دلایل را به بینید و از روی قیمت

بصاحبانش بدهید و اگر صاحبان آنها هم در حقیقت میخواهند

بی انصافی کرده باشند باید عرض کنم این هم مال ملت است

چه فرق می کند . یک قسمتش را هم عرض نکردم و آن راجع

باملاک مرحوم سپهسالار بود که دولت بادبگران خریده اند

آن را خوب درست نمیدانم ولی در این جا وقتی که حساب

کنیم بنده سپهسالار و دیگری را نمی شناسم وقتی روی حساب

بگذاریم می بینیم با آنها هم اجحاف شده است همان بقایای

مالیاتی که بنده داشته قسمتی را تخفیف دادند و قسمتی را هم

بستهتلاک گرفتند و هنوز هم دارند میگیرند و دفعه آمدند و همتی

من را تصرف کردند بابت قرضی که بنده و دیگران بپانک

روس داشته که از سایرین بچه ترتیب یا با قسط گرفتند یا

هیچ نگرفتند باطور دیگر گرفتند و دارند میگیرند تادرجه

هم آقایان مسبوق هستند حالا اگر میدانم ولی خوان بود اسمش

چه بود اگر او نتوانست قرض خودش را و مالیات مورد مطالبه

را بدهد در اثر آن عملیاتی است که در اوائل مشروطه کرد

یعنی در آمد املاک را خرج آن مجاهد بازی ...

انوار - مجاهد بازی نبود آقا . مجاهدت بود که تومی توانی

حالا آزادانه این جا حرف بزن

دهستانی - تو آن کارها نمود گرفتند و آن جریانات

بیش آمد بنده میدانم نسبت با آنها هم ظلم شده و مخصوصاً یکی

از دهات آنها نزدیک محل انتخابیه بنده است شریف آباد است

و این ملک نه تنها عمران و آبادی نشده بلکه خراب تر شده

از این جهت هم اگر دولت توجهی باین قسمت بکنند باعث

امتنان تمام مشروطه خواهان خواهد بود

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است - جمعی دیگر -

کافی نیست

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات . آقایانیکه

مذاکرات را کافی میدانند برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب

شد . پیشنهادات راجع بماده اول خوانده میشود :

پیشنهاد آقای دکتر جوان :

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده یک قانون پیشنهادی نسبت

باملاک واگذاری بعد از جمله بموجب مقررات این قانون

عبارت وسایر مواد قانون مدنی که با این قانون منافات نداشته

باشد علاوه شود .

عده از نمایندگان - توضیح دادید آقا

دکتر جوان - خیلی مختصر عرض میکنم . آقای نقابت

فرمودند که اینجا نوشته شده مطابق این قانون رسیدگی میشود... منافات ندارد که قضات مکلف باشند رسیدگی کنند و رعایت کنند سایر مواد قانون مدنی یا قانون آئین دادرسی مدنی را بنده خواستم عرض کنم که متأسفانه این جا توضیح ایشان بر خلاف توضیحی بود که آقای وزیر دادگستری در شور اول دادند. در شور اول آقای وزیر دادگستری توضیح دادند که اینطور که نوشته شده برای این است که قضات مکلف نباشند بر رعایت قانون آئین دادرسی مدنی و جریان محاکمه طول نکشد از این جهت اینطور نوشته شده که خلاصه تر رسیدگی کنند و بجای آن در ماده دیگری قید شده است که در آئین نامه ها بعضی مقررات لازمه پیش بینی میشود. عرض میکنم این جا وقتی ماده اول را این طور نوشته اند این جا قضات آزاد خواهند بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم نوشته شود و سایر مواد قانون مدنی که با این قانون منافات نداشته باشد نیز بعد از جمله مقررات این قانون علاوه شود که رفع این اشکال بشود. وزیر دادگستری - بنده تصور کردم از توضیحات کافی آقای نقابت رفع اشکال آقای دکتر جوان شد ولی معلوم میشود هنوز ایشان بآن اشکال خود باقی هستند این اشکال هم از این جهت پیش آمده که یک کلمه فقط اینجا از پیش خود اضافه کردند در بیاناتشان و گفتند فقط بموجب مقررات این قانون رسیدگی میشود و حال آنکه در ماده اول کلمه فقط نیست و اینکه حالا فرمودند صحیح بود منظور بنده همین بود که در مقررات قانون آئین دادرسی مدنی حتی المقدور تسهیلاتی بشود که کار بطول نیفتد و آنچه که در این جا ذکر شده راجع است به تشریفات رسیدگی البته با این مقرراتی که در اینجا ذکر شده قضات و هیئت رسیدگی مستغنی خواهند بود از اینکه بمواد مربوطه باین امر که در آئین دادرسی مدنی شرحش نمیکشیده است رجوع کنند اما اینکه راجع بقانون مدنی فرمودند که دستشان باز باشد و رعایت کنند و اینکار نشده است. فقط اینجا اینطور نهی نیست که این استنباط ازش بشود و سوء تفاهم بشود اینجا گفته شده است بموجب مقررات این قانون رسیدگی

میشود یعنی تریبانی که در این قانون مقرر شده است نسبت باملاک مالک عمل آنها خواهد بود و اجازه داده میشود که بموجب آن رفتار کنند اما در هیچیک از مواد این قانون مواد قانون مدنی را منع نکردیم و فرض نکردیم که رعایت آنها را نکنند باید بکنند چونکه هست و ما کفایت مسئله تشریفات بود که زودتر بگذرد آن هم از لحاظ تسریع در کار اینجا هم مقرر عرض کردم که همین که احراز سبق تصرف شد و نسبت بقبل از انتقال متصرف آن روز شناخته شد و به ثبوت رسید برای این کار کافی است و احتیاج به تشریفات زیادی هم ندارد که رعایت شود و باید حتمی المقدور سعی شود که حق مردم برسد و خودشان هم تصدیق می فرمایند این موضوع را باین جهت این جا اشکالی نیست و اگر مسترد بفرمایند اسباب تسهیل کار را فراهم کرده اند.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر جوان آقایان موافقین برخیزند (عده قلبیایی قیام کردند) رد شد پیشنهاد آقای محمد ضیائی:

پیشنهاد میکنم در ماده یک بعد از کلمه اشخاص و وراثت قانونی آنها.

مخبر - اینجا مقصود آقای محمد ضیائی شاید شکایت و دعاوی اشخاص و وراثت آنها باشد.

محمد ضیائی - صحیح است.

مخبر - بسیار خوب. ملاحظه بفرمائید در ماده ششم گفتیم هر کس بهر عنوان نسبت بمین املاک واگذاری حرفی دارد عنوان هم اعم است از عنوان خودش یا عنوان وراثت یا وصایت یا وکالت یا سایر قسمتها باید هر کس در محکمه میآید قبلاً باید صلاحیت و سمت خود را معرفی نماید و دلائل صلاحیت خود را اقامه کند باین جهت مقصود آقا حاصل است.

محمد ضیائی - با توضیح آقا مسترد میکنم بنده قانع شده.

رئیس - پیشنهاد آقای محیط.

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی.

ماده ذیل را پیشنهاد مینمایم.

املاکی که در سنه ۱۳۱۷ بعد جزء املاک خاصه شده

اعم از صدور ورقه مالکیت و یا عده او از املاک ماقبله مجزا و از پنجهزار تومان کمتر بهای او باشد تحت نظر یک کمیسیون مرکب از یک نفر معتمد محلی و نماینده وزارت دادگستری و وزارت دارائی و مدعی العموم در محل تشکیل بساطهارات شاکی رسیدگی کرده هر گاه رأی کمیسیون مزبور با کثرت بر رد ملک صادر شود ملک بتصرف شاکی داده و وجهی که دریافت داشته مسترد دارد و اگر دو نکت موافق بر رد ملک شوند باز ملک مزبور بصاحبش مسترد شود و اگر بانفاق مخالف با اظهار شاکی بودند شاکی میتواند از رأی کمیسیون پژوهش بخواهد.

محیط - بنده پیشنهاد خودم را مرجوع میدارم (خنده نمایندگان).

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار.

امیر تیمور - پس تکلیف پیشنهاد آقای محیط چه شد.

وزیر دادگستری - ایشان مرجوع داشتند.

محیط - بلی بلی پس گرفتیم.

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار خوانده میشود:

تبصره ذیل را بماده اول پیشنهاد میکنم:

تبصره - اشخاصی که خودسرانه تصرفاتی در املاک نموده اند آن عده نه فقط باید فوراً خلع ید نمایند مراجع آنها نداد گناه های عمومی خواهد شد و از مواد این قانون نمیتوانند استفاده کنند.

اعتبار - این پیشنهادی که بنده تقدیم کردم صفا از نظر عرض جواب بود که اظهاراتی را که بنده عرض کردم خدمت آقایان اینها تمام متکی بدلائل رسمی است. بنده سعی دارم همیشه عراضی که میکنم کمتر دارای یک حقیقی باشد این عراضی که شد این هارا بنده تحقیق کرده عرض کردم مخصوصاً در قسمت آن شخص محترمی که این جا صحبتش بود هیچ نظری مخصوص نسبت بایشان ندارم و لازم دانستم این راهم عرض کنم که ایشان خودشان مخصوصاً رفته اند به دهائی که سابقاً مال ایشان بوده و تعویض کرده اند و عایداتش را برده اند از این جهت چون یک جنبه رسمی دوائی دارند و مأمورین

دولتی باید سرمشق دیگران باشند از نظر انتظامات دولتی باین جهت متأثر کرد مرا در این قبیل قضایا مأمورین باید حقیقه سعی باشند که اگر دیگران هم بخواهند خودسرانه بکنند او باید بآنها بگوید و جلو گیری کند نماینده او سرمشق بشود وقتی که خودش کرد نباید از دیگران متوقع بود این بنده را متأثر کرد از این جهت این پیشنهاد کرده بحال هم اصراری ندارم که پیشنهاد بنده قبول شود و استرداد میکنم و مخصوصاً از آقای وزیر دادگستری تقاضا میکنم توجه مخصوصی در این قسمت بفرمایند که اگر مأمورین دولتی ذی نفع هستند نباید خودشان ایجاد هر چه و مرج بکنند. خیلی خوب ما قانونی را در دست داریم و داریم می گذرانیم مأمورین دولت هم اگر مطابق این قانون حقی دارند استفاده میکنند وقتی که ایشان میروند آن جا ما هیچ داعی نداریم دیگر این کار را بکنیم و باین ترتیب ما چگونه می توانیم جاوی دیگران را بگیریم.

وزیر دادگستری - ایشان که پیشنهاد خودشان را مسترد داشتند اما راجع باین مطلبی که فرمودند بنده نمی توانم تصدیق کنم که این مطالب همینطور است یک چیزی هم ما شنیده ایم و در سند بر آمده ایم و تحقیق هم می کنیم و اگر اینطور است که موضوع تعقیب خواهد شد و عرض کردم هر کس که من غیر حق و قبل از اینکه قانون اجازه بدهد تصرفاتی بکنند و خودسری بکنند مورد تعقیب واقع خواهد شد. رئیس - موافقین با ماده اول برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - اجازه بفرمائید بنده یک عرضی دارم و آن این است که این ماه پنجمی است که این لایحه آمده است بمجلس شورای ملی و یک جمعی هم در این جا از خاندوزند گیشان دور مانده اند و آمده اند برای انجام این کار و بلا تکلیف هستند و هر روز هم تلگرافات زیادی برای مجلس میرسد تلگرافات رقت آمیزی از مازندران و گیلان و گرجستان میرسد بنده توقع از آقایان مخصوصاً این است که این کار را هر چه زودتر

(سجیح است) جلسه آئینه پس فردا روز پنج شنبه  
 دکتر سنگ - فردا  
 دشتی - بلی فردا  
 حمزه ناشید - عصری جلسه بشود .  
 ملک مدنی - پنج شنبه بهتر است  
 دکتر طاهری - بلی همان پنج شنبه باشد .  
 عده‌ای از نمایندگان - پنج شنبه پنج شنبه  
 رئیس - جلسه آئینه روز پنج شنبه سوم اردیبهشت ماه  
 سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه املاک (سجیح است)  
 (مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن سفندیاری

ممکن است انجام بدهند و اگر مطالبی دارند در باب مواد بطور  
 پیشنهاد بمجلس بدهند و اگر مجلس شورای ملی تصویب کرد  
 و قبول کرد و اگر نکرد صحبت زیاد نشود که کار زودتر  
 بگذرد و تمام شود . البته خودتان میدانید بعد از تصویب این  
 قانون چقدر کار دارد وزارت دادگستری که ترتیب محاکمات  
 این کار را انجام دهد و چندین ماه هم باید اینطور بگذرد  
 آنوقت برای این مردم بیچاره از حیث خواربار و از حیث  
 آسایش مردم واقعا لازم و ضروری است که این کار را مجلس  
 زودتر بگذراند .

۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |  
 رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم